

حجت مهکویی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۱۲

چکیده

شناخت تنگناها و محدودیت‌های ژئوپلیتیکی کشورها و همچنین شناخت متغیرهای مثبت و منفی آن و تعیین جایگاه و منزلت کشورها در سطح منطقه‌ای و جهانی همواره مورد توجه اندیشمندان در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی و روابط بین‌الملل بوده است. تعیین وزن ژئوپلیتیکی توسط واحدهای سیاسی می‌تواند آنها را در بهره‌برداری‌های سلبی و ایجابی یاری نماید. پس از فروپاشی نظام دوقطبی و شکست صدام از نیروهای ائتلاف در سال ۱۹۹۱ و سقوط دولت بعث در سال ۲۰۰۳، مسئله کردستان عراق به‌صورت یک پدیده ژئوپلیتیکی فعال در منطقه و جهان به ظهور رسید؛ که باعث شکل‌گیری حکومت خودگردان در شمال عراق شد؛ اما بحث استقلال برای کردستان همچنان به‌صورت یک معمای لاینحل باقی مانده است. سوال اصلی در این تحقیق این است که کردستان عراق برای رسیدن به استقلال دارای چه محدودیت‌هایی می‌باشد؟ مفروض تحقیق این است که کردستان عراق برای رسیدن به استقلال دارای محدودیت‌های ژئوپلیتیکی در حوزه اقتصاد، سیاست و جغرافیا می‌باشد. نتایج نشان می‌دهند که تحقق یک دولت مستقل کردی در منطقه‌ی خاورمیانه میسر نمی‌گردد.

کلیدواژه‌ها: ژئوپلیتیک، چالش‌های ژئوپلیتیکی، کردستان عراق، قوم کرد.

مقدمه

اصولا هر نوع تحول ژئوپلیتیکی در ساختار جهانی و منطقه‌ای می‌تواند به بروز بی‌ثباتی و نیز تغییر چشم‌انداز جغرافیایی سیاسی منجر گردد. کردستان عراق پس از فروپاشی حزب بعث در این کشور توانست در اداره کشور عراق سهمیم شود و تا حدودی به سمت دولت‌سازی حرکت نماید. آنچه مهم است پیوستگی‌های تاریخی، فرهنگی، نژادی و زبانی کردستان عراق با چهار کشور ایران، عراق، ترکیه و سوریه می‌باشد که حرکت به سمت‌وسوی دولت‌سازی مستقل می‌تواند برای کردستان به معنای ستیز و مقابله با میدان‌های سنتی موجود در منطقه و در نتیجه شکل‌گیری بی‌ثباتی‌های سیاسی در منطقه باشد. تصویب قانون اساسی عراق در سال ۲۰۰۵ میلادی و تشکیل حکومت ناحیه‌ای در عراق و در نتیجه ایجاد منطقه خودمختار کردستان عراق تاثیر قابل توجهی را بر کشورهای همجوار داشته است. به دلیل همجواری مناطق کردنشین عراق با کشورهای ایران، ترکیه و سوریه باعث بروز تهدیداتی در این کشورها گشته است که این امر باعث گردیده کشورهای مذکور به همراه دولت مرکزی در عراق نگاه ویژه‌ای را نسبت به مسئله استقلال کردهای عراق در منطقه داشته باشند؛ اما فشار کشورهای مذکور تنها عامل عدم شکل‌گیری دولت‌سازی مستقل در کردستان عراق نمی‌باشد و عوامل دیگر از جمله محدودیت‌های ژئوپلیتیکی در حوزه سیاست، اقتصاد و جغرافیا نیز از جمله علل تاثیرگذار بر عدم شکل‌گیری دولت مستقل در کردستان عراق می‌باشند. در این پژوهش تلاش گردیده تا محدودیت‌های ژئوپلیتیکی کردستان عراق که مانعی در جهت تشکیل دولت مستقل در کردستان عراق گردیده موردبررسی قرار گیرد.

چارچوب نظری

الف) ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک دارای قدمتی به‌اندازه تاریخ انسان می‌باشد؛ یعنی از زمانی که انسان در جستجوی قلمرو و امنیتی بوده، ژئوپلیتیک نیز معنا و مفهوم داشته است. بسیاری از فرماندهان جنگی از گذشته‌های دور تاکنون در طرح‌ریزی‌های خود به مفهوم ژئوپلیتیک توجه داشته‌اند؛ اما از نظر علمی، دریادار آلفرد تایرماهان به‌عنوان پدر ژئوپلیتیک شناخته شده و بدین ترتیب ظهور این سنت، بایستی در بوستون به سال ۱۸۹۰ و با انتشار تحقیق این دریادار با عنوان «تاثیر نیروی دریایی بر

تاریخ ۱۷۸۲-۱۶۶۰» رخ داده باشد (مویر، ۱۳۷۹: ۳۶۵). از مؤلفه‌های اثرگذار بر سیاست‌های ملی و بین‌المللی هر کشور ژئوپلیتیک آن می‌باشد. این اصطلاح اولین بار توسط رودلف کلین استاد علوم سیاسی و نماینده مجلس سوئد مطرح شد (تقوی اصل، ۱۳۸۶: ۲۶). ژئوپلیتیک از زمان وضع واژه آن توسط کلین در سال ۱۸۹۹ میلادی تاکنون، ضمن اینکه دچار فراز و نشیب بوده است از نظر مفهومی نیز دچار شناوری بوده و نتوانسته است از شفافیت و ثبات نسبی برخوردار شود. در تعاریفی که تاکنون به عمل آمده غلبه با آنهایی بوده که سعی داشته‌اند از آن به‌عنوان دانش مطالعه رابطه یک‌سویه و جبری تاثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست یاد کنند (حافظنیا، بیتا: ۷۲). ژئوپلیتیک در نیمه اول قرن بیستم با نظریه‌های متعددی توسعه یافت. نظریه‌هایی که عمدتاً به نقش فضای جغرافیایی در قدرت و استراتژی‌های جهانی می‌پرداخت. نظریه قلب زمین مکیندر، قدرت دریایی ماهان، نظریه ریملند اسپایکمن و نظریه قدرت هوایی سورسکی هر یک به نحوی الگوهای فضایی خاصی را ارایه داده و بر تغییر و برداشت از قدرت و کنترل جهانی تاثیر گذاشتند (همان، بی‌تا، ۷۴). همان‌گونه که نظریه‌های ژئوپلیتیک معمولاً با هدف سلطه یا تبعیض نژادی عرضه شده‌اند (الهی، ۱۳۸۴: ۱۹). تعاریف متعددی از ژئوپلیتیک ارایه گردیده از جمله:

۱- درک واقعیت‌های محیط جغرافیایی به‌منظور دستیابی به قدرت به‌نحوی که بتوان در بالاترین سطح وارد بازی جهانی شد و منافع ملی و حیات ملی را حفظ کرد؛ به عبارت دیگر ژئوپلیتیک عبارت است از: علم کشف روابط محیط جغرافیایی و تاثیر آن بر سرنوشت سیاسی ملل (عزتی، ۱۳۸۸: ۷).

۲- ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی اثر محیط و اشکال و پدیده‌های محیطی، چون موقعیت جغرافیایی، شکل زمین، منابع کمیاب، امکانات ارتباطی و انتقالی، وسایل جمعی و ... را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی به‌ویژه در سطوح گسترده منطقه‌ای و جهانی مطالعه و بررسی می‌کند (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۸).

۳- ژئوپلیتیک عبارت است از علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر (حافظنیا، ۱۳۸۴: ۳۷).

از تعاریف بالا این‌طور برداشت می‌شود که ژئوپلیتیک می‌تواند به‌عنوان یک عامل مثبت یا منفی در تعقیب سیاست خارجی کشورها نقش ایفاء نماید؛ بنابراین کشورها از لحاظ دسترسی به آب‌های آزاد، موقعیت جغرافیایی، وسعت و شکل سرزمینی یا منابع طبیعی، همسایگی با کشورهای

قدرتمند، جمعیت، ترکیب قومی و... با دیگر کشورها در تعامل مثبت و منفی قرار می‌گیرد؛ که این امر باعث می‌شود که یک کشور با ژئوپلیتیک مناسب دارای وزن و منزلت ژئوپلیتیکی در سطح منطقه‌ای و جهانی باشد و کشور دیگر با موقعیت ژئوپلیتیک پست، از وزن و اعتبار بالایی در سطح منطقه‌ای و جهانی برخوردار نباشد.

ب) چالش ژئوپلیتیکی

عبارت است از ایجاد وضعیت برای یک دولت یا کشور بر پایه عوامل ثابت یا متغیر ژئوپلیتیکی و متأثر کردن سیاست آن کشور با استفاده از متغیرها و عوامل جغرافیایی. به عبارتی منفعل کردن سیاست و استراتژی ملی دیگر کشورها با کاربرد عوامل و ارزش‌های جغرافیایی یا کاربرد جغرافیایی علیه کشور رقیب (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۲۱). به عبارتی چالش ژئوپلیتیکی برای یک دولت یا کشور می‌تواند به‌مرور زمان انزوای ژئوپلیتیکی را به همراه داشته باشد به‌نحوی که باعث کاهش یا قطع ارتباط یک کشور با سایر کشورهای دیگر در سطح منطقه‌ای و جهانی گردد؛ بنابراین چالش‌های ژئوپلیتیکی و به دنبال آن انزوای ژئوپلیتیکی برای یک کشور می‌تواند آن را در معرض تجزیه و سقوط قرار دهد؛ و برعکس واحدهایی از یک کشور که به دنبال استقلال از کشور اصلی می‌باشند اگر دارای تنگناهای ژئوپلیتیکی باشند نمی‌توانند به‌سادگی از دولت اصلی استقلال خود را بازیابند. لذا مقوله ژئوپلیتیک و توجه به مؤلفه‌های آن و بهره‌گیری صحیح و مناسب از متغیرهای ژئوپلیتیکی از دغدغه‌های کشورها محسوب می‌شود.

ج) کردستان عراق

کردستان به فضای جغرافیایی مرتفعی در خاورمیانه گفته می‌شود که از نظر اکولوژیکی، زیستگاه و موطن کردها را تشکیل می‌دهد. این منطقه مرتفع، بخش‌هایی از غرب و شمال غرب ایران، شرق و جنوب شرق ترکیه، شمال و شمال شرق عراق و سوریه و نیز غرب قفقاز را در بر می‌گیرد و بر سرزمین‌های کم ارتفاع اطراف خود مشرف می‌باشد. سرزمین مرتفع کردها باعث معروفیت آنها به‌عنوان مردمان کوهستان در نظر مردم اقوام پیرامونی شده است؛ یعنی ترک‌ها، ایرانی‌ها و عرب‌ها، کردها را با کوهستان مترادف می‌دانند و گاهی بر این اساس نسبت به کردها نگرش منفی پیدا می‌کنند. از طرفی کردستان بین پنج دولت خاورمیانه‌ای؛ یعنی ایران، ترکیه، سوریه، عراق و ارمنستان است و بین چهار سازه تمدنی و فرهنگی، بین چهار فلات؛ یعنی ایران، عربستان، آناتولی

و قفقاز و در مسیر یک گذرگاه میان‌قاره‌ای آسیا، اروپا و آفریقا قرار گرفته است (عبداله‌پور، ۱۳۹۰: ۸۸). اولین بار سلطان سنجر سلجوقی در قرن دوازدهم میلادی/پنجم هجری، از آنجاکه در مناطق کردنشین، ایالت بزرگی به جود آورده بود، این منطقه را کردستان نامید. تقریباً یک قرن پس از تهاجم مغول بود که امارات نیمه‌مستقل کرد در کردستان ایجاد شد (احمدی، ۱۳۹۵: ۸۵-۸۴). «آنچه شکل‌گیری واحدهای مستقل سیاسی بر پایه قومیت و فرقه‌گرایی خوانده می‌شود، خود را در کردستان عراق در قالب حکومت محلی کردستان نشان می‌دهد» (دیلمیمعزی و شجاع، ۱۳۸۷: ۱۰۳). کردستان عراق با مساحتی حدود ۷۴۰۰۰ کیلومتر مربع نزدیک به ۶ میلیون نفر از جمعیت این کشور را در خود جای داده که در کل حدود ۲۰ درصد از وسعت عراق می‌باشد. علاوه بر آن، در برگیرنده ذخایر و مناطق نفتخیز و آبی و یا مشرف بر آن دو است (عبداله‌پور، ۱۳۹۰: ۸۸). «این حکومت محلی در سال ۱۹۹۲ با پشتیبانی آمریکا و انگلستان و در پوشش دفاع از حقوق کردهای عراق پا گرفت. مرکز این حکومت، شهر اربیل است. با حمله آمریکا به عراق حکومت محلی کردستان وارد مرحله حساسی از تاریخ خود شده است. این حکومت از دید جغرافیایی، استان‌های اربیل، دهوک و سلیمانیه را زیر پوشش دارد و افزون بر آن به‌صورت دوفاکتو بر استان‌های نینوا، دیاله و کرکوک نیز حکم میراند» (دیلمیمعزی و شجاع، ۱۳۸۷: ۱۰۳). اقلیم کردستان عراق آن بخشی از کردستان است که به دنبال جنگ جهانی اول در داخل مرزهای عراق واقع شد. بیشترین ساکنان این ناحیه کرد هستند و از روی هم‌زیستی قومی و آیینی با دیگر مناطق عراق و منطقه اختلاف دارد. برخوردهای قومی و فرقه‌ای در عراق، صدها هزار کشته بر جا گذاشته است. بر اساس داده‌های آماری دانشگاه جان هاپکینز در آمریکا و دانشگاه المستنصریه بغداد، از مارس ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ نزدیک به ۶۰۰ هزار نفر در درگیریهای داخلی در این کشور کشته شده‌اند، در مجموع این برخوردها، جان ۵۰ تا ۱۰۰ نفر را در روز می‌گیرد (دیلمیمعزی و شجاع، ۱۳۸۷: ۱۰۲).

روش تحقیق

این مقاله به روش کیفی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با مراجعه به سایت‌های اینترنتی به دنبال بررسی مهمترین چالش‌های ژئوپلیتیکی که مانع تحقق شکل‌گیری کشور مستقل در کردستان عراق می‌شود، می‌باشد.

یک. مهمترین موانع ژئوپلیتیکی شکل‌گیری کردستان عراق به‌عنوان یک کشور مستقل

۱-۱. چالش سیاسی

هرچند بحث در رابطه با جنبش‌های قومی کردها در کشورهایی که از نظر سرزمینی سکونت دارند مفصل است «اما شایان‌ذکر است که نخستین شورش‌ها در امپراتوری عثمانی در اواسط قرن نوزدهم میلادی روی داد؛ زمانی که عثمانی‌ها تحت تاثیر تحولات جدید سیاسی و ایدئولوژیک اروپا، سیاست تمرکزگرایی و محو امارات تحت کنترل قبایل کرد را آغاز کردند. شورش شیخ عبیدالله از کنفدراسیون ایلی حکاری^۱ در سال ۱۲۹۷/۱۸۸۰ اولین طغیان بزرگ کردها در خاورمیانه بود. در عراق، جنبش قومی کردها زمانی آغاز شد که بریتانیا در سال ۱۲۹۸/۱۹۱۹، شیخ محمود برزنجی را به‌عنوان فرماندار سلیمانیه منصوب کرد. او خود را شاه خواند و استقرار دولت کرد در عراق را اعلام کرد. از آنجاکه بریتانیایی‌ها با این حرکت مخالف بودند، شیخ محمود را به‌سرعت معزول و به هند تبعید کردند. این حادثه قبل از تاسیس عراق تحت پادشاهی فیصل، در اوت ۱۹۲۱/مرداد ۱۳۰۰، روی داد» (احمدی، ۱۳۹۵: ۹۰-۹۱).

در عراق کردها هنگامی از «حمایت جدی بین‌المللی برخوردار شدند که نیروهای متحد غربی تحت رهبری آمریکا با اعلام یک منطقه‌ی ممنوعه پروازی در شمال عراق برای حفاظت از کردها در برابر حملات دولت عراق پس از جنگ دوم خلیج‌فارس در سال ۱۳۷۰/۱۹۹۱، اقدام کردند. همچنین باوجود پشتیبانی انگلیسی‌ها از استقلال کردها، به علت نبود نگره مبنی بر قومیت در میان کردها و سوء مدیریت برزنجی- کسی که برای این مورد در نظر گرفته شده بود- آنها نتوانستند نیروهای خود را برای استقلال سازماندهی کنند، سرانجام انگلستان مناطق کردنشین را به‌عنوان بخشی از خاک عراق پذیرفت» (دیلمی معزی و شجاع، ۱۳۸۷: ۹۷). در حال حاضر کردهای عراق را می‌توان سیاسی‌ترین گروه کرد در میان کشورهای منطقه دانست که با بیشترین میزان مقاومت‌های نظامی و سرکوب‌گری بغداد مواجه بوده‌اند. مناطق شمالی و منتهی‌الیه شمال‌شرقی عراق در بر دارنده حزب دموکرات کردستان است. نواحی اطراف کرکوک و خانقین از کردهای فیلی و شیعی مذهب می‌باشند که عموماً مخالف اکثریت کردها هستند. اکثریت کردهای فیلی در حزب اتحاد

1- Hakkari.

میهنی کردستان عضویت دارند. منطقه شمال غرب عراق اطراف سینجار در دست حزب کمونیست عراق است که اکثریت آن حزب را نیز کردها تشکیل داده‌اند. کردستان عراق کم‌وبیش بین دو جریان سورانی و دینانی تقسیم شده است که دو نوع گویش کردی متفاوت دارند. گویش سورانی تحت نفوذ طالبانی است که قلاذه و کوه سنجاب و اربیل و سلیمانیه تا خانقین را زیر پوشش دارد. گویش بادینانی که مرکزش زاخو است منطقه بارزانی است و تا ترکیه پیش می‌رود. هردو نیز تلاش می‌کنند در مناطق یکدیگر نفوذ کنند و اغلب میانشان درگیری نظامی پیش می‌آید. در تمام این مناطق جوانان کرد باید پیشمرگه شوند و نوعی سربازگیری وجود دارد (هوشمند، ۱۳۸۳: ۲۱).

بارزانی‌ها بر حزب دموکرات کردستان تسلط دارند و طالبانی‌ها بر حزب اتحاد میهنی کردستان چیره هستند. پس از استقلال عراق، کردها در سال ۱۹۳۰ خواستار تشکیل دولت بودند در آوریل ۱۹۶۹ رژیم جدید (عراق) چهارمین جنگ را علیه کردستان عراق آغاز نمود که در نهایت منجر به برقراری موافقت‌نامه ۱۱ مارس ۱۹۷۰ مشتمل بر ۱۵ ماده برای تعیین حقوق کردها و چگونگی حل مسایل کردستان بود که البته رژیم عراق هیچ‌گاه به اجرای مفاد موافقت‌نامه نپرداخت. در اواخر ۱۹۸۸ منطقه خودمختار با توجه به قرارداد خودمختاری ۱۹۷۰ اکراد با بغداد به شکلی از سازمان سیاسی رسید پس از جنگ کویت و عراق از وضعیت ممنوعیت پرواز عراق به بالای ۲۳ درجه در سال ۱۹۹۱ کردهای عراق عملاً توانستند حکومت خود را تاسیس نمایند و با حل اختلافات گروهی و قیام علیه حکومت بعث، حکومت منطقه را به عهده گرفتند. کردها این خیزش را «راپه رین» مینامند. اختلافات میان حزبی بین حزب دموکرات کردستان به رهبری بارزانی و حزب اتحاد میهنی کردستان به رهبری طالبانی در سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۸ شکل گرفت که باعث شد بارزانی‌ها به سمت دولت مرکزی بغداد متمایل شوند و طالبانی‌ها به سمت ایران متمایل گردند.

اوج درگیری‌ها بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸ بود. پس از دو سال سرانجام مسعود بارزانی و جلال طالبانی در سپتامبر ۱۹۹۸ به واشنگتن رفتند و در مذاکراتی تحت ریاست آلبرایت توافق ۱۷ سپتامبر را امضاء نمودند که طی آن توافق، اداره مشترک مناطق کردستان تعیین شده بود. کردستان آزاد به دو حکومت با پایتخت‌های سلیمانیه و اربیل تحت کنترل طالبانی و بارزانی تقسیم شد پس از ده سال و با حمله دوباره آمریکا به عراق در شمال و شمال شرق عراق که به کردستان عراق معروف است کردها حکومت خودمختار جمهوری فدرال عراق را به‌طور رسمی تشکیل دادند.

مهمترین گروه‌های کرد عبارتند از: حزب دموکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی و اتحادیه میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی، علاوه بر اینها احزاب جدید کرد در سایه اوضاع جدید منطقه تشکیل شده‌اند (حکیم، ۱۳۸۱: ۳۴۳). وضعیت دو حکومتی در کردستان عراق تا قبل از جنگ ۲۰۰۳ ادامه یافت تا اینکه در تحولات جدید عراق دو هسته کردستان تلاش کردند از موقعیت ایجاد شده حداکثر بهره‌برداری را بنمایند و خود را به جهان و منطقه عرضه کنند و حقانیت خود را اثبات نمایند. مدلی که کردستان به دنبال آن بود مدل فدرالیسم با احترام به تمامیت ارضی عراق بود. با سرنگونی صدام و همراهی اکراد در روند تشکیل دولت بعد از صدام، باعث گردید پست‌های قابل توجه از جمله ریاست جمهوری به طالبانی‌ها و رهبری فدرال کردستان به مسعود بارزانی از حزب دموکرات کردستان برسد؛ و دولت سلیمانیه و اربیل ادغام و یک دولت واحد را سازماندهی نمایند.

با این حال این روند باعث نشد احزاب کرد به‌طور کامل بتوانند با هم دور یک میز جمع شوند و هنوز اختلافات آنها هر از چند گاهی خود را نشان می‌دهند، چنان‌که در وضعیت حادث شده در عراق بارزانی از تجزیه عراق صحبت می‌کند و طالبانی از وحدت و یکپارچگی عراق صحبت می‌کند و این ممکن است آغاز درگیری‌های حزبی کردستان عراق باشد. اختلافات در کردستان عراق محدود به دو حزب اصلی نمی‌باشد و گاهی این اختلافات بین مردم و حکومت اقلیم کردستان می‌باشد. حزب پارتی (دموکرات) کردستان عراق، اکنون شاید از نظر امنیتی، اقتصادی و نظامی در موقعیت خوبی باشد ولی از نظر سیاسی و مقبولیت عامه مردم کردستان، دوران رکود خود را می‌گذراند و برای بقای سیاسی خود نیازمند تغییرات است. در درون عشیره بارزان هم اختلاف رشد کرده و عیان یافته، مثلاً بادنیان و دهوک صدای اعتراض و نارضایتی مردمان شنیده می‌شود که شاید تاکنون مکتوم و ناشنیده مانده بود (www.tabnak.ir).

احزاب مختلف کردستان حاضر نیستند با حزب دموکرات به رهبری بارزانی دور یک میز تجمع کنند و این خود حاکی از سیاست‌های غلط حکومت اقلیم کردستان دارد که باعث شکاف سیاسی در اقلیم کردستان گردیده است. در بیشتر شهرهای کردستان، تظاهرات معترضان برای برکناری ریاست اقلیم برپا شده است (www.tabnak.ir). آنها خواستار برکناری مسعود بارزانی و خانواده او از قدرت هستند. برنامه و شایعه زود هنگام بودن استقلال کردستان توسط بارزانی‌ها بیشتر جهت ساکت

کردن معترضان می‌باشد و گرنه تفکر غالب در کردستان عراق استقلال نیست و این در حالی است که جلال طالبانی استقلال کردستان را رویایی شیرین مینامد؛ بنابراین تشکیل کردستان مستقل به علت اختلافات عمیق احزاب دموکرات و اتحاد میهنی کردستان به نوعی پایه‌های استقلال‌طلبی کردستان را نه تنها در عراق بلکه در کشورهای دیگر می‌لرزاند. اختلافات سیاسی درون‌گرویی در کردستان عراق بعید به نظر می‌رسد به راحتی قابل حل باشد و یک چالش ژئوپلیتیکی بارز برای استقلال کردستان محسوب می‌شود.

عراق و مسایل قومی و مذهبی درون آن، باعث شده است که آمریکا و متحدانش به همراه ناتو از سال ۲۰۰۳ همواره حضور پررنگی را در این کشور نشان دهند. حمله نظامی آمریکا به عراق در مارس ۲۰۰۳ را می‌توان نقطه عطف جدیدی در ارتباط با نقش امنیتی و راهبردی پیمان آتلانتیک شمالی در منطقه دانست. الگوی رفتار آمریکا برای سازماندهی و مشارکت کشورهای منطقه‌ای در پیمان‌های امنیتی به گونه‌ای است که در ابتدا مبادرت به سازماندهی الگوهای مشارکت نهادی می‌نمایند. از طریق چنین فرایندی، زمینه برای فعال‌سازی آنان در دیپلماسی دفاعی فراهم می‌گردد. دیپلماسی دفاعی را می‌توان بخشی از ضرورت اجتناب‌ناپذیر متقاعدسازی کشورهای منطقه‌ای در سازوکارهای بین‌المللی دانست (موسوی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۶۹). عراق یکی از کشورهای اسلامی است که بسیاری از کشورهای عضو ناتو در آن به شکل جدی حضور یافته و بستر لازم برای حضور بلندمدت خود را در آن فراهم کرده‌اند. هرچند جنگ در عراق به وسیله ائتلافی از کشورهای مختلف (که فقط برخی از آنها عضو ناتو بودند) به رهبری آمریکا در مارس ۲۰۰۳ آغاز شد و ناتو به عنوان یک سازمان نقش عمده‌ای در روند تصمیم‌گیری مربوط به آن نداشت. قبل از شروع درگیری، کمیته برنامه‌ریزی دفاعی ناتو، در پاسخ به درخواست ترکیه (عضو رسمی ناتو) برای کمک به این کشور در مقابل خطر بالقوه از سوی عراق، برخی اقدامات پیشگیرانه را طراحی و اجرا نمود. پس از مذاکرات و مجادلات بین اعضای ناتو، رهبران سازمان در اجلاس استانبول با انتشار بیانیه‌ای، پذیرش نقش جدید ناتو در روند تامین امنیت در عراق را مورد تأیید قرار دادند (Kagan, 2004: 26). درواقع بحران بخش اجتناب‌ناپذیر فرایندهای سیاست خارجی و امنیتی کشورهای خاورمیانه می‌باشد و دخالت قدرت‌های بزرگ یکی از اصلی‌ترین عوامل تحقق چنین فرایندی خواهد بود (Rozoft, 2009: 5).

۲-۱. چالش اقتصادی

کرکوک نیز شهری است که هم مورد عنایت ویژه اقوام کرد قرار دارد و هم از نظر دولت مرکزی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. امتزاج قومی و وجود ذخایر نفتی در شهر کرکوک همواره آن را در کانون بحران‌های قومی و سیاسی قرار داده است (جنتی‌محب، ۱۳۹۱: ۱۵۹). شهر کرکوک مرکز استان التمیم عراق است که در ۲۵۰ کیلومتری شمال بغداد قرار گرفته و طبق آمار ۲۰۱۳ جمعیت آن ۸۸۰ هزار نفر بود در حال حاضر هم شهر کرکوک نقطه تلاقی نگاه مسعود بارزانی، رهبر حزب دموکرات کردستان عراق به عنوان قلب کردستان و جلال طالبانی، رهبر اتحادیه میهنی به عنوان قدس کردستان و از نگاه ترکیه و آمریکا بزرگترین حوزه نفتی خاورمیانه به حساب می‌آید. وجود ذخایر نفتی در شهر کرکوک خود زمینه‌ساز ایجاد بحرانی است که نه تنها جنبه منطقه‌ای دارد بلکه در مناسبات بین‌المللی نیز مؤثر می‌باشد. بر اساس ماده ۱۴۰ قانون اساسی نظام فدرال عراق می‌بایست در سال ۲۰۰۷ وضعیت شهر کرکوک با برگزاری همه‌پرسی و سرشماری میان ساکنین آن روشن می‌شد اما چالش‌های امنیتی به وجود آمده پیرامون این مسئله باعث به تأخیر افتادن برگزاری همه‌پرسی در شهر کرکوک شده است (همان، ۱۳۹۱: ۱۶۱-۱۶۰).

در حال حاضر کرکوک دارای ۱۰ درصد منابع نفتی عراق می‌باشد که با ادعان به این موضوع می‌توان دریافت که مسئله کرکوک فراتر از مسئله صرفاً قومیتی است؛ زیرا دستیابی به چنین منابع عظیمی خارج از معادلات قومیتی برای هر دو طرف یعنی ایالت کردستان و دولت مرکز و سوسه‌انگیز است. از سوی دیگر با توجه به اختلافات دیرینه کردها در سوریه و ترکیه، قرار گرفتن کرکوک و اختیار منابع انرژی آن در دست کردهای عراق، می‌تواند به عنوان اهرم فشار بر دولت‌های سوریه و ترکیه در خصوص مسایل کردهای این منطقه مورد استفاده قرار گیرد (همان، ۱۳۹۱: ۱۶۸)؛ بنابراین، اقلیم کردستان عراق تلاش دارد با تصاحب شهر کرکوک و دستیابی به مناطق نفتخیز این شهر که سهمی ۱۰ درصدی از منابع انرژی عراق را در خود جای داده، بتواند ابتدا به جغرافیای مورد نظر خود دست یابد و در نهایت بنیه اقتصادی خود را بیش از گذشته تقویت نماید. لذا تصرف شهر کرکوک برای اقلیم کردستان یک هدف دوجبه‌ای است که هم جغرافیا و اقتصاد را به طور همزمان تامین می‌نماید، اقتصادی که می‌تواند کردستان را بیش از گذشته تقویت نموده و به عنوان یک اهرم فشار برای کشورهای همسایه محسوب گردد و از طرفی بتواند توجه مجامع

جهانی و کشورهای قدرتمند را به این منطقه جلب نماید. لذا اقلیم کردستان با تصرف این شهر درواقع می‌تواند ضعف‌های ژئوپلیتیکی خود را ترمیم نماید تا از این رهگذر بتواند روند دولت‌سازی خود را تقویت نماید.

۳-۱. چالش جغرافیایی

کردستان عراق در حوزه کشش و رانش سه میدان فرهنگی و تمدنی فارس، عرب و ترک قرار دارد؛ که این میدان‌ها با ویژگی‌های ایدئولوژیک خاص خود، قابلیت جذب را برای کردها به حداقل می‌رسانند. کردهای عراق نیز پس از جنگ ۱۹۹۱ شرایط را در عراق به نفع خود مساعد یافتند و تلاش نمودند تا خود را از انزوا خارج سازند. با نگاهی به نقشه کردستان، موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک کردستان را می‌توان مشاهده کرد. کردستان دربرگیرنده ذخایر و مناطق نفتخیز و آبی و یا مشرف بر آن دو است. کردستان به فضای جغرافیایی مرتفعی در خاورمیانه گفته می‌شود که از نظر اکولوژیکی، زیستگاه و موطن کردها را تشکیل می‌دهد. این منطقه مرتفع، بخش‌هایی از غرب و شمال ایران، شرق و جنوب شرقی ترکیه، شمال و شمال شرق عراق و سوریه و نیز غرب قفقاز را در بر می‌گیرد. سرزمین مرتفع کردها باعث معروفیت آنها به‌عنوان مردمان کوهستان در نظر اقوام پیرامونی شده است؛ یعنی ترک‌ها، ایرانی و عرب‌ها، کردها را با کوهستان مترادف می‌دانند و گاهی بر این اساس نسبت به کردها نگرش منفی پیدا می‌کنند از طرفی کردستان بین پنج دولت خاورمیانه‌ای؛ یعنی ایران، ترکیه، سوریه، عراق و ارمنستان و بین چهار سازه تمدنی و فرهنگی، بین چهار فلات؛ یعنی ایران، عربستان، آناتولی و قفقاز و در مسیر یک گذرگاه میان‌قاره‌ای آسیا، اروپا و آفریقا قرار گرفته است. موقعیت بسته جغرافیایی کردستان، بزرگترین چالش پایدار ژئوپلیتیک آن است (عبداله‌پور، ۱۳۹۰: ۸۸).

بنابراین کردها به دلیل موقعیت بسته جغرافیایی خود و عدم دسترسی به آب‌های آزاد و یا کشورهای همپراز خود مجبور به جلب رضایت و همکاری با کشورهای پیرامونی خود مثل ایران و ترکیه می‌باشند. تقسیم کردستان بین کشورهای خاورمیانه سبب شده است که مناطق کردنشین این کشورها از لحاظ جغرافیایی از موقعیت حاشیه‌ای برخوردار شوند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۲). اگر واقع‌بینانه نگریده شود کردستان شکل دولت فرضی محصور در خشکی است که به دریا راه ندارد و بزرگ‌ترین تنگنای ژئوپلیتیکی آن را انزوای جغرافیایی تشکیل می‌دهد که دولت‌های همسایه

که همه نسبت به آن مواضع خصمانه خواهند داشت، در یک ائتلاف می‌توانند آن را به زانو درآورند (همان، ۱۳۸۵: ۱۲). به همین جهت بعد از حمله سال ۲۰۰۳ آمریکا به عراق، کردستان عراق در قالب فدرال و با امتیازات گسترده و رسمی بر اساس اصول ۱ و ۴ و ۱۱۳ قانون اساسی به حیات خود ادامه داده است. پس از آنکه عراق در سال ۲۰۱۴ مورد هجوم محورهای تروریستی داعش قرار گرفت و شهر کرکوک توسط نیروهای داعش تصرف شد، نیروهای پیشمرگه حکومت اقلیم کردستان عراق کنترل این شهر نفتخیز را بر عهده گرفتند و اعلام نمودند از این مناطق خارج نخواهند شد تا از این طریق بتوانند جغرافیای موردنظر خود را تامین نمایند هرچند در تصرف شهر کرکوک اهداف اقتصادی نیز مدنظر بود. درواقع این واقعیتی است که حکومت خودگردان کردستان عراق و دولت‌مردان کردستان از آن آگاهی دارند و از تعقیب اندیشه تاسیس دولت مستقل کردی پرهیز می‌نمایند. هرچند در گفتار جهت فشار به دولت مرکزی عراق گاهی آن را بر زبان جاری سازند.

دو. ویژگی‌های کردستان بزرگ برای مستقل شدن به عنوان یک کشور

۱. به لحاظ هیدروپلیتیک، کردستان عراق هارتلند خاورمیانه است؛ کردستان یکی از غنی‌ترین منابع آب خاورمیانه را در اختیار دارد. نگاهی به سرشاخه‌های فرعی که دجله و فرات از آنها سرچشمه می‌گیرد نشان دهنده آن است که تقریباً تمام آبهای تغذیه کننده دجله و فرات از مناطق کردنشین سرچشمه می‌گیرند؛ بنابراین با توجه به سابقه‌ی درگیری‌های کردها در جنوب شرق ترکیه (محل اجرای پروژه گاپ) شمال غرب و غرب ایران و شمال عراق اجرای پروژه‌های ذخیره‌سازی و انتقال آب به اهمیت این مناطق خواهد افزود، به عبارت دیگر از این پس هم منزلت ژئوپلیتیک کردها بالا خواهد رفت و هم اینکه واکنش حکومت‌های مرکزی به تحرکات آنها احتمالاً متفاوت از گذشته خواهد بود. رابرت کاپلان در مقاله هرج و مرج آینده با توجه به این موضوع منازعه ترک (ترکیه) و کرد را در آینده جدی‌تر از بحران اعراب و اسرائیل می‌داند. به طور کلی منطقه کردستان سرچشمه بسیاری از رودخانه‌ها و منابع آب شیرین در خاورمیانه است. رودخانه‌های معروف دجله، فرات، ارس، قزل ایرماق، سفیدرود، سیروان و زاب (کوچک و بزرگ) از کردستان سرچشمه می‌گیرند. منابع آب منطقه کردستان به دریای مازندران، خلیج فارس، دریاچه ارومیه و دریای سیاه سرازیر می‌شوند و کشورهای ترکیه، ایران، آذربایجان، ارمنستان، عراق، سوریه و کویت به آب‌های کردستان وابستگی

دارند. از جهتی به علت قرار گرفتن مناطق خشک و کم آب پیرامون سرزمین کردستان که بیشتر آب شیرین خود را از رودخانه‌های سرچشمه گرفته از کردستان تامین می‌کنند و از سوی دیگر به علت افزایش جمعیت، رشد اقتصادی و بالا رفتن سطح زندگی که باعث افزایش مصرف آب و نزدیک شدن مقادیر تقاضا به مرزهای منابع آب تجدید شونده می‌شود، کردستان از منزلت ژئوپلیتیکی بالایی برخوردار می‌گردد؛ و بر این اساس کردستان به لحاظ هیدروپلیتیک، هارتلند خاورمیانه جدید است. به‌طور کلی اهمیت آبی کردستان در خاورمیانه را در موارد زیر می‌توان بیان کرد:

الف- موقعیت بالادستی در خاورمیانه به علت داشتن میزان مناسب بارندگی و در نتیجه وجود سرچشمه بسیاری از رودخانه‌ها و منابع آب شیرین خاورمیانه در کردستان؛ ب- وجود مناطق خشک و نیازمند به آب در پیرامون آن؛ پ- وابستگی حداقل ۷ کشور منطقه به آب‌های کردستان؛ ج- نبود منطقه جایگزین برای تامین آب خاورمیانه (خالدی، ۱۳۸۸: ۵۸-۵۷).

۲. کردستان بین چند تمدن کهن مانند تمدن ایران، تمدن تورانی (ترک)، تمدن عربی (سامی) واقع شده است. نزدیکی جغرافیایی به کشورهای ایران، سوریه و ترکیه برای آمریکا از اهمیت خاصی برخوردار است.

۳. منابع نفت عمده‌ای در کردستان عراق وجود دارد و بنابراین از لحاظ ژئوپلیتیک انرژی نیز اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. کردستان از نظر منابع طبیعی، دارای خاک حاصلخیز، آب، نفت، گاز و دیگر مواد معدنی است که در دوران زمامداران بحث عراق کمتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ «اقلیم کردستان دارای ۴۵ میلیارد بشکه ذخیره نفت و ۱۲۷ تریلیون مترمکعب ذخیره گاز می‌باشد. برآوردها نشان می‌دهند که ظرفیت تولید نفت اقلیم کردستان در سال ۲۰۱۶ میلادی ۱ میلیون بشکه بوده است. در سال ۲۰۱۳ اقلیم کردستان از طریق خط لوله کرکوک به اسکندرون ۳۵ میلیون بشکه در سال صادرات داشته است که این رقم تا ۵۰ میلیون بشکه در سال قابل افزایش است» (موسوی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۶۹).

۴. کردهای عراق، منطقه‌ای کوهستانی با مساحتی حدود ۷۴۰۰۰ کیلومتر مربع و نزدیک به ۶ میلیون نفر جمعیت، شامل استان‌های دهوک، اربیل، سلیمانیه، کرکوک، دیاله و نینوا و در کل ۱۷ درصد وسعت عراق را دارا می‌باشند. با این توضیح که وسعت ناحیه حکومت اقلیم کردستان ۶۴۳/۴۰ کیلومتر با جمعیتی نزدیک به ۴ میلیون نفر به پایتختی اربیل (هولیر) است؛ (قربان

شیخ‌نشین و قدمی، ۱۳۹۱: ۶۰).

۵. برخورداری از حمایت کشورهای آلمان، فرانسه و آمریکا از تشکیل یک کشور کردی در خاورمیانه.

۶. کردها در امتداد مرزهای ترکیه، ایران، عراق و سوریه قرار دارند. خودمختاری و استقلال کردها در شمال عراق می‌تواند ترکیه، ایران و سوریه را با بحران‌هایی جدی و شورش کردها در این کشورها مواجه سازد و موجب طرح خواسته‌های مشابه در مناطق کردنشین در کشورهای مذکور شود و تمامیت ارضی این کشورها را مورد تهدید قرار دهد (اخوان‌کازمی و عزیزی، ۱۳۹۰: ۱۴۸). قابل ذکر است که پراکنش جغرافیایی کردها از نظر سرزمینی از نتایج جنگ‌های طولانی ایران و عثمانی در دوران صفوی (۹۲۲-۹۲۰، ۹۷۲-۹۴۱، ۱۳۰۷-۹۹۶، ۱۰۴۸-۱۰۴۶، ۱۱۴۴-۱۱۳۶ قمری) است؛ همان‌گونه که یکی از پژوهشگران آن را اولین تقسیم کردستان خوانده است. این واقعه در سال ۱۰۱۸ ش/ ۱۶۳۹ م پس از امضای پیمان صلح میان سلطان مراد دوم خلیفه عثمانی و شاه‌عباس دوم پادشاه ایران به وقوع پیوست. بر اساس این پیمان، مرزهای ایران و عثمانی از میان مناطق کردنشین کشیده شد. این مرز، کم‌وبیش تا به امروز به همان حالت باقی مانده است (احمدی، ۱۳۹۵: ۸۷-۸۶).



نقشه شماره ۱: کردستان بزرگ مورد ادعای کردهای ناسیونالیست- منبع: (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۶۷)

نتیجه‌گیری

عمده‌ترین تفاوت‌ها در هر کشور، نابرابری در فرصت‌های اقتصادی، طبیعت، زبان، هویت خواهی

و تاریخ است. وقتی تفاوت‌های مکانی عمیق باشد و انسان‌های مکان‌های کمتر توسعه‌یافته نسبت به این تفاوت‌ها آگاهی یابند و سهم خود را در مشارکت ملی به علت همین تفاوت‌ها در حداقل ببینند، تنش‌هایی را برای حکومت ایجاد می‌کنند و احساس منطقه‌گرایی در مقابل ملی‌گرایی تقویت می‌شود. به‌طور کلی بروز مشکلات مهم در جامعه، فشار ساختاری نظیر محرومیت نسبی و دیگر اقسام فشارها از عوامل ایجاد کننده نارضایتی شتاب دهنده است که باعث برانگیختن اقدام جمعی می‌شوند، می‌باشند (اعظمی و حیدری، ۱۳۹۴: ۹۰).

پس از جنگ جهانی اول، کشورهای استعمارگر برای آنکه بتوانند بر منطقه جهان اسلام مسلط باشند با استفاده از اختلافات قومی و مذهبی، سرزمین‌های اسلامی را به کشورهای کوچک تجزیه کردند. بدین ترتیب مسلمانان در منطقه‌ی خاورمیانه، درگیر یکسری اختلافات ارضی و قومی شدند. دولت‌های استعمارگر غربی با بهره‌برداری از این اختلافات، پایه‌های سلطه خود را بر منطقه تحکیم کردند (حافظ‌نیا و زرقاتی، ۱۳۹۱: ۱۴۴). یکی از این اقوام که دچار گسستگی جغرافیایی شدند اقوام کرد بودند که در بین پنج کشور ایران، عراق، سوریه، ترکیه و ارمنستان به نسبت نامتوازی پراکنده شده و دارای اختلافات قومی و مذهبی با کشورهای ذکر شده می‌باشند. اقوام کرد در کشورهای ایران، ترکیه، سوریه و بلاخص عراق همواره تلاش داشته‌اند تا از کشورهای مذکور جدا شده و به‌صورت مستقل تشکیل دولت و حکومت دهند. تاکنون کردهای عراق پس از برخی تحولات موفق گردیده‌اند تا حکومت خودمختار برای خود تدارک ببینند؛ اما آنها نیز به دلیل برخی محدودیت‌های ژئوپلیتیکی در حال حاضر توان ایجاد یک کشور مستقل را در منطقه خاورمیانه ندارند.

گسل‌های سیاسی، جغرافیایی و اقتصادی در کردستان عراق موقعیت ژئوپلیتیکی شکننده‌ای را برای کردستان رقم زده است که همین امر باعث گردید آینده آن تیره‌وتر باشد. لذا سردمداران کردستان عراق به دنبال آن هستند تا با به دست آوردن یک موقعیت جغرافیایی مشخص که کرکوک را نیز شامل می‌گردد اولاً جغرافیای موردنیاز خود را تامین نمایند و ثانياً با تسلط بر منابع نفتی کرکوک که ۱۰ درصد ذخایر نفتی عراق می‌باشد پایه‌های اقتصادی خود را در منطقه مستحکم نمایند. چراکه یک کردستان قوی با جغرافیا و اقتصاد قوی می‌تواند در مقابل کشورهای چون ترکیه و سوریه و ایران ظاهر گردد و از طرف دیگر با اهرم انرژی بتواند توجه مجامع جهانی بلاخص غرب و در رأس آن آمریکا را به خود جلب نماید.

با این حال کردستان عراق نیازمند آن است قبل از دستیابی به جغرافیا و اقتصاد مورد نظر اجماع سیاسی داخلی خود را تضمین نماید (بارزانی و طالبانی‌ها) که ظاهراً این اجماع به این زودی محقق نمی‌گردد؛ بنابراین با توجه به چالش‌های سیاسی، جغرافیایی و اقتصادی کردستان عراق و ژئوپلیتیک شکننده و ضعیف آن، تحقق کردستان مستقل، بیشتر در حد یک شعار و اهرم فشار بر دولت مرکزی عراق برای کسب امتیازات بیشتر از نظام فدرالی عراق می‌باشد؛ بنابراین کردها تا زمانی که کرکوک را به دست نیاورند و جغرافیای مورد نظر خود را با اجرای مفاد ماده ۱۴۰ تامین ننمایند و چالش‌های ژئوپلیتیکی خود را در حوزه سیاست، اقتصاد و جغرافیا با اجرای مفاد ماده ۱۴۰ تامین ننمایند به سمت استقلال حرکت نخواهند کرد. لذا صحبت از جدایی در شرایط کنونی قبل از برطرف نمودن چالش‌های ژئوپلیتیکی بیشتر جنبه روانی دارد و تلاش می‌کنند با اعمال فشار به دولت مرکزی عراق امتیازات بیشتری را مطالبه نمایند.

فهرست منابع:

۱. احمدی، حمید، (۱۳۹۵)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران؛ تهران: انتشارات نی، چاپ دوازدهم.
۲. اخوان کاظمی، مسعود و عزیزی، پروانه، (۱۳۹۰)، «کردستان عراق؛ هارتلند ژئوپلیتیکی اسرائیل»، فصلنامه راهبرد، شماره ۶۰، پاییز.
۳. الهی، همایون، (۱۳۸۴)، «خلیج فارس و مسایل آن»، تهران: نشر قومس.
۴. اعظمی، هادی و حیدری، جهانگیر، (۱۳۹۴)، مدل‌سازی نشانگان سیاست‌های همگرا و واگرای قومی در ایران؛ فصلنامه ژئوپلیتیک، سال یازدهم، شماره اول، بهار.
۵. تقویاصل، سیدعطا، (۱۳۸۴)، «ژئوپلیتیک جدید ایران از قزاقستان تا گرجستان»، تهران: وزارت امر خارجه مرکز چاپ و نشر.
۶. حافظنیا، محمدرضا، (۱۳۸۱)، «جغرافیای سیاسی ایران»، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
۷. حافظنیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، «اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک»، مشهد: انتشارات پاپلی، چاپ اول.
۸. حافظنیا، محمدرضا، بی‌تا، «تعریفی نو از ژئوپلیتیک»، فصلنامه تحقیقاتی جغرافیایی، شماره ۴۸۸.
۹. حافظنیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، «تاثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، زمستان، شماره ۸۳.
۱۰. حافظنیا، محمدرضا، زرقانی، سیدهادی، (۱۳۹۱)، «چالش‌های ژئوپلیتیکی همگرایی در جهان اسلام»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، تابستان، شماره ۸۰.
۱۱. حکیم، حسن، (۱۳۸۱)، «وضعیت گروه‌های سیاسی عراق»، فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم، تابستان، شماره ۱۸.
۱۲. جنتی‌محب، فائزه، (۱۳۹۱)، «معادلات سیاسی اقلیم کردستان عراق: با تمرکز بر نقش اسرائیل در تطویل معمای کرکوک»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، زمستان، شماره ۴۷.
۱۳. خالدی، حسین، (۱۳۸۸)، «تحلیل ژئوپلیتیک خودگردانی شمال عراق و تاثیر آن بر حرکت‌های قوم‌گرایانه پیرامونی با تاکید بر ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، راهنما: دکتر حمیدرضا محمدی، مشاور: دکتر علیرضا محرابی.
۱۴. دیلمی معزی و شجاع، مرتضی، (۱۳۸۷)، آمریکا و راهبرد بازنگری در مرزهای سرزمینی در خاورمیانه، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال بیستودوم، شماره هفتم و هشتم، فروردین و اردیبهشت.
۱۵. عزتی، عزتاله، (۱۳۸۸)، «جغرافیای استراتژیک ایران»، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۶. عبدالله‌پور، محمدرضا، (۱۳۹۰)، «تعارض ژئوپلیتیکی کردستان عراق با میدان‌های منطقه‌ای، جذب اسرائیل در میدان مغناطیسی کردستان عراق»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، تابستان ۱۳۹۰، شماره ۶۵.
۱۷. قربان شیخ‌نشین، ارسلان و قدمی، اکرم (۱۳۹۱)، «بررسی راهبرد سیاست خارجی آمریکا در کردستان عراق

- و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، شماره ۶۲، بهار.
۱۸. مویر، ریچارد، (۱۳۷۹)، «درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی»، ترجمه: دره میرحیدر، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۹. مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۸۱)، «جغرافیای سیاسی، سیاست جغرافیایی»، تهران: انتشارات سمت.
۲۰. موسوی، سیدحافظ و دیگران، (۱۳۹۵)، تاثیر تحولات جهان عرب بر سیاست منطقه‌ای ایران و ترکیه، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوازدهم، شماره اول، بهار.
۲۱. هوشمند، احسان، (۱۳۸۳)، «کرد یا کردها مدخلی جامعه‌شناختی بر کردشناسی»، فصلنامه گفتگو، شهریور، شماره ۴۰.

22. <http://www.tabnak.ir/fa/news>. (Accesse & 7 Agust 2014).

23. Kagan, Robert. (2004), "Of Paradise and Power: America versus Europe in the New World Order", knopf.

24. Rozoft, Rick .(2009), "NATO In The Persian Gulf from Third World War to the Istanbul Cooperation Initiative", February 7.